

ماجراهای بوفی

# ستاره‌هایی روی زمین



سلام!

من پروفیسور بوفی هستم، جغد دانا



دیشب، از خانه‌ام روی درخت بلوط پرواز کردم تا آسمان کویر را ببینم. اما چیز عجیبی دیدم: ستاره‌هایی روی زمین می‌درخشیدند! از تعجب، سرم یک دور چرخید: ووووشش!

هوهو! این همه ستاره روی زمین؟! پایین رفتم و دیدم پشت‌بام خانه‌های یک روستا، مثل ستاره‌ها، برق می‌زنند. هوهو! فهمیدم! صفحه‌های خورشیدی!

بچه‌هایی که توی حیاط بازی می‌کردند من را روی بام دیدند و گفتند: «بوفی، اینجا چه کار می‌کنی؟»

گفتم: «آمده‌ام صفحه‌های خورشیدی را از نزدیک ببینم.» موفر فری گفت: «می‌دانی این صفحه‌ها چه کار می‌کنند؟!» گفتم: «هوهو! بله که می‌دانم. دانشمندان ایرانی با این صفحه‌ها نور خورشید را یکجا جمع می‌کنند تا شب‌ها چراغ روشن کنند و انرژی پاک بسازند.»

ناگهان گربه‌ای که زیر نور دنبال ماهی می‌گشت شالاپی افتاد توی حوض. خندیدم و گفتم: «هوهو! گربه شسته شد. انرژی پاک انگار هم زمین را پاک نگه می‌دارد، هم گربه‌ها را!»

بچه‌ها هم خندیدند و با خوش حالی گفتند: «هورا برای صفحه‌های خورشیدی! زنده باد دانشمندان ایرانی!»

هوهو! تا دیدار بعدی از بالای درخت بلوط!





## اگر گفتی...



۱. صفحه‌ی خورشیدی چه کاری انجام می‌دهد؟

نور خورشید را می‌خورد تا شکمش سیر شود.



نور خورشید را در یک جا جمع می‌کند و برق تولید می‌کند.



۲. چرا پشت‌بام‌های روستایی برق می‌زدند؟

چون صفحه‌های خورشیدی داشتند.



چون گربه‌ها با چراغ‌قوه بازی می‌کردند.



۳. انرژی پاک یعنی چه؟

نیرویی که حمام می‌رود و پاکیزه می‌شود.



نیرویی که از خورشید یا باد یا آب می‌آید و به طبیعت آسیب نمی‌زند.



۴. چرا گربه توی حوض افتاد؟

چون زیر نور دنبال ماهی می‌گشت.



چون می‌خواست قهرمان شنا شود.



\*\* در خیلی از روستاهای ایران، از نور خورشید برق تولید می‌شود. با این انرژی پاک، حتی آب را هم گرم می‌کنند. جاهایی مثل: سیچانلو (استان قزوین)، ورچه (استان مرکزی)، هیرمند (استان سیستان و بلوچستان)

